

عنوان مقاله:

شناسایی مولفه های تدریس اثربخش و ارزیابی وضعیت تدریس (مطالعه موردی دانشگاه های آزاد و سراسری تبریز- گروه علوم تربیتی)

محل انتشار:

ششمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 35

نویسندگان:

ندا بصیر - کارشناس آموزش دانشگاه تبریز

شاهرخ کلجاهی - کارشناس دانشگاه تبریز

مرتضی امینی - کارشناس آموزش دانشگاه تبریز

آرزو نقیلی - کارشناس آموزش دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

هدف پژوهش حاضر معیارهای تدریس اثربخش در دوره های کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و دانشگاه تبریز بود. روش پژوهش توصیفی از نوع زمینه یابی بود. جامعه آماری این تحقیق از دو مجموعه تشکیل شده است: دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه تبریز. طبق آمار دریافت شده از اداره آموزش دو دانشگاه، تعداد دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه تبریز ۱۱۹ نفر، تعداد دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه آزاد ۱۰۳ نفر است که جمعاً ۲۱۶ نفر میباشند. با توجه به حجم جامعه آماری، تعداد ۷۰ نفر به عنوان نمونه آماری و به صورت نمونهگیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمعآوری داده ها از پرسشنامه معیارهای تدریس اثربخش استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش t تک متغیره و t گروه های مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین معیارهای تدریس اثربخش در بین دانشجویان دانشگاه تفاوت وجود دارد. همچنین بین دانشجویان زن و مرد و رشته های علوم انسانی و غیر علوم انسانی تفاوت وجود دارد. درباره مفهوم تدریس تعاریف زیادی ارائه شده است. به اعتقاد شعبانی (۱۳۸۱) تدریس فعالیتی آگاهانه است که براساس اهداف خاص و بر پایه وضوح شناختی شاگردان انجام میگردد و در آنان تغییر ایجاد میکند. بلائی-ک تعریف کل-ی، تدریس اثربخش باید منظم و برانگیزاننده باشد و موجب علاقه مندی دانشجویان شود (ب-راون واتکینس، ۱۳۸۲). امروزه، تدریس در آموزش عالی به عنوان حوزه های معرفتی مورد توجه جدی واقع شده، لکن تعریفهایی که از آن به عمل آمده، اسمیت (۱۹۸۸) معتقد است: تلاشهایی که برای تعریف تدریس صورت گرفته به جای تمرکز بر ارائه تعاریف روشن و صریح از تدریس، بر کاوش ابعاد مختلف این مفهوم تمرکز داشته است. در این خصوص، نگرشهای مختلفی درباره تدریس شکل گرفته است. در نگرش اول گیج (۱۹۹۵) اظهار میدارد، تدریس عبارت از هر فعالیتی است که از جانب یک فرد به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام میپذیرد (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۸۰). نگرش دوم برگرفته از تمثیلی است که دیویی (۴) از تدریس بیان کرده و آیزنر (۵) (۱۹۹۴) آن را توضیح داده است. از نظر او تدریس مشابه عمل فروختن است؛ همان گونه که بدون وجود خریدار نمیتوان چیزی را فروخت، مدرس نیز قادر به تدریس نیست، مگر اینکه فرد یا افرادی برای یادگیری وجود داشته باشند. تدریس از دید کسانی که به این دیدگاه معتقد هستند، دارای ماهیتی از نوع دستاورد است و الزاماً باید به دستاورد یا موفقیتی که همان یادگیری است بینجامد. در نگرش سوم تعامل بین مدرس و یادگیرنده مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس تدریس عبارت است از: تعامل رفتار مدرس و فراگیر براساس طراحی منظم و هدفدار او، برای ایجاد تغییر در رفتار فراگیر (شعبانی، ۱۳۸۱). با توجه به اینکه امروزه بر اصل تعامل و مشارکت دانشجویان در فرایند تدریس تاکید بسیاری وجود دارد، نگرش سوم از طرفداران زیادی برخوردار است. بدون شک در دوران معاصر، حرفه ی تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب میشود. علاوه ...

کلمات کلیدی:

